

ناکار آمدی‌ها در سبد انتخاباتی است یا حاکمیتی

جوان: پرسش امروز بسیاری از افراد این است که آیا «ناتوانی» افراد، «ناکارآمدی غیرتعمدی و بعضاً تعمدی» آن‌ها را باید تفسیر به «ناتوانی و ناکارآمدی نظام اسلامی» کرد یا میان این دو تمایز قائل شد؟ با توجه به اینکه بعد از التهابات اخیر اقتصادی، بخشی از جامعه القائات هدفمند و متراکم جهت «یکسان‌پنداری» ناکارآمدی افراد، جریانات و اصل نظام اسلامی را پذیرفته‌اند. اصول قانون اساسی و عرف کلی حاکم بر حاکمیت اسلامی از بدو شکل‌گیری انقلاب اسلامی تاکنون آن بوده که پیش شرط توسعه و پیشرفت کشور را تکیه دولت‌ها «بر توان و ظرفیت داخلی، مبارزه با توسعه وابسته‌گرایی و انقلابی‌گری» معنا کرده است؛ در مقابل طیفی از سیاستمداران که بعضاً در یک دسته سیاسی جای می‌گیرند به خصوص بعد از سال ۷۶، توسعه وابسته‌گرایی را در قالب مفاهیمی مانند «مذاکره مستقیم با آمریکا، ضرورت تعدیل مواضع انقلابی در روابط بین‌الملل و تنش‌زدایی در جهت پایان دادن به مناقشات میان ایران و غرب» دنبال کردند. تیترو یادداشت‌های روزنامه‌های حامی این تفکر، طی سال‌های گذشته چنین ضرورت تصنعی را دنبال می‌کردند و سیاستمداران این نحله فکری، نیز در قالب مناظرات انتخاباتی یا میتینگ‌های مناسبی تلاش می‌کردند تا این باور حزبی را به عنوان باور جمعی جاگذاری کنند که مسیر توسعه کشور از ریل انعطاف مالایطاق با غرب می‌گذرد. بخشی از جامعه تحت تأثیر اینگونه سؤالات که برآمده از به‌کارگیری عملیات روانی- رسانه‌ای عناصر و رسانه‌ای در مقاطع حساس بود، به تئوری‌های یک جریان برای اداره کشور که در قالب شعارهایی که (معنایش عبور از برخی از خطوط قرمز بود) اعتماد کرده و نتیجه این اعتماد چه در عرصه روابط با غرب و چه در قالب اقتصاد داخلی مبرهن و قابل رجوع است. حال در شرایطی که نتیجه عینی و ملموس تئوری وابسته‌گرایی بر اساس مشاهدات تک تک افراد جامعه گره‌های اقتصاد و سیاست را نه تنها باز نکرد بلکه آن را تبدیل به کلاف سردرگمی کرده که بخشی از آن در نوسانات اخیر بازار ارز و سکه سرازیر شده است، تلاش می‌شود «ناتوانی» افراد وابسته به یک حزب که در بستر توسعه وابسته‌گرایی شکل و اثبات شده است را مساوی با «ناتوانی حاکمیت سیاسی» و نظام را از پاسخ دهی به مطالبات مردم عاجز عنوان می‌کنند.

حمایت از کالای ایرانی

www.Hadinews.ir



سال سوم شماره ۱۵۰ چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۷
www.hadinews.ir



آیا به روسیه می‌توان اعتماد کرد؟

کیهان: آیا روسیه غیر قابل اعتماد است؟ برقراری روابط استراتژیک با این کشور درست است یا غلط؟ در دنیای سیاست، هیچ کشوری صد در صد «قابل» اعتماد نیست اما برخی کشورها صد در صد «غیر قابل اعتمادند». در چنین دنیایی دولت‌ها غالباً با منطق «سود و زیان» و «منافع ملی» سیاست‌های خود را با دیگر کشورها تنظیم می‌کنند. این دولت‌ها ممکن است به محض مشاهده شرایط جدید، با همان منطق «سود و زیان» زیر تعهداتشان بزنند. آیا باید به دور کشور حصار کشید؟ آیا نباید با آنها پیمان بست و متحد استراتژیکشان شد؟ پاسخ این سؤال‌ها ساده و برای همه روشن است. نمی‌توان دور کشور حصار کشید. باید تجزیه و تحلیل کرد و بر اساس واقعیات و کشورها را انتخاب و بر اساس منافع نوع روابط را تنظیم کرد. ۴۰ سال است که آمریکا را می‌بینیم، رفتارشان را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. نتیجه؟ از تحمیل ۸ سال جنگ تا ۴۰ سال تحریم ظالمانه بگیر تا سرنگونی هواپیمای مسافربری و چند تلاش شکست خورده برای راه انداختن کودتای نظامی و رنگی و... معنای «نه شرقی و نه غربی» این نیست که، با هیچ کشور شرقی یا غربی نباید متحد شد. معنای جمله این است که، روابط کشور با سایرین به قول امام راحل، روابط گرگ و میشی نباشد. رابطه ارباب رعیتی نباشد. دشمنی ۴۰ ساله آمریکا و دوستانش به ما می‌گوید، باید به آمریکا و آن چند کشور اروپایی صد در صد بی‌اعتماد بود. بنابراین دلیل آویزان بودن جریان خاص نفوذ کرده به دولت، به آمریکا و آن چند کشور بدعهد اروپایی آن هم «تحت هر شرایطی» هرچه هست، قطعاً به خاطر منافع ملی و رساندن کشور به قله‌های پیشرفت نیست.

ضرورت امتیاز دهی به اروپا!

بهار: متأسفانه ما در ۴۰ سال گذشته با توجه به مصالح دینی، استراتژی‌های خود را در مسائل سیاسی پایه گذاری کردیم و نتیجه آن هم همین وضع موجود است... الان یک ماه است که اروپایی‌ها، دیگر درباره ما صحبت نمی‌کنند و جلسه اخیر ایران با ۱+۴ هم هیچ دستاوردی نداشت. زیرا در آنجا سه مسئله حقوق بشر، آزمایش موشکی و حضور در سوریه و یمن مطرح شد و آقای ظریف هیچ پاسخی برای آن نداشت... نباید فراموش کرد که در این مسیر ما باید امتیازاتی هم به غربی‌ها بدهیم. آنها سه شرط مشخص دارند و ما اگر انتظار داریم روابطمان بهبود پیدا کند باید یک سری امتیاز بدهیم تا بتوانیم یک سری امتیاز دریافت کنیم. نمی‌توان صرفاً انتظار داشت که آنها به ما امتیاز بدهند و هیچ خواسته‌ای نداشته باشند».

«در حوزه سیاست خارجی باید اقدامات عملی را در دستور کار قرار دهیم. ابتدا به ساکن باید پای تهران از پرونده یمن خارج شود. در مرحله بعد هم وضعیت سوریه باید به یک تعادل برسد و نیروهای خود را کاهش دهیم. در این راستا ما اکنون نزدیک به یک سال است که آزمایش موشکی انجام ندادیم که این اقدام مثبتی است و تا به اندازه‌ای حساسیت‌ها را کاهش می‌دهد». گفتنی است آمریکا و اروپا برای تشدید فشار بر ایران با هدف تسلیم‌سازی ما قطعاً به کمک بازوانی در داخل ایران نیاز خواهند داشت، که پیشتر اندیشکده کاتو در گزارشی مفصل به دولت کنونی آمریکا تقویت این جریان در داخل ایران را شدیداً توصیه کرده بود که یکی از محوری‌ترین آن بحث کمک به بالندگی جریان هواخواه غرب در داخل ایران یا همان اصلاح‌طلبان بوده است.

تحلیل فنلاندی از ملاقات هلسینکی

وطن امروز: مجموعه دیدارها و عکس‌های یادگاری ترامپ در بروکسل به پایان بخش اول سفر اروپایی ترامپ مبدل شد و پس از آن رئیس‌جمهوری آمریکا به لندن رفت تا جنجال خود را در سرزمین ملکه ادامه دهد. سپس دیدار با پوتین در فنلاند برنامه ترامپ بود. نمی‌توان ملاقات پوتین و ترامپ را بررسی کرد مگر آنکه اصل توازن قوا در جهان را نادیده گرفت و از آن یک ارزیابی دقیق نداشت، چرا که در حال حاضر آمریکا به یکی از بدهکارترین کشورهای جهان مبدل شده است و بودجه نظامی ۷۰۰ میلیارد دلاری آن نیز بدون توجه کافی تصویب می‌شود. اقتصاد آمریکا سهم بسیار اندکی از جذب سرمایه‌گذاری‌های محدود بین‌المللی دارد و در مقابل صنایع این کشور قابلیت رقابت با ماشین‌ساز صنعتی اروپا و بعضاً ژاپن را ندارند، به همین جهت آمریکایی‌ها برای بقای خود نیازمند برهم زدن توازن موجود در مناسبات بین‌المللی به سود خود هستند. اروپا در این میان یکی از اصلی‌ترین اهداف آمریکایی‌ها به شمار می‌رود. خروج انگلیس از اتحادیه توان اروپا را کاهش خواهد داد، زیرا اروپایی که پیش‌تر با ۲ قدرت اتمی یعنی فرانسه و انگلیس در عرصه بین‌المللی قدم می‌گذاشت، اکنون تنها با قوای اتمی فرانسه مجبور است خود را معرفی کند. در عین حال هجوم مهاجران به خاک اروپا، طرح افزایش بودجه نظامی ناتو را برای تضعیف اروپا تکمیل می‌کند. اروپایی‌ها از ۲ جهت نظامی و اجتماعی با فشارهای سنگینی روبه‌رو خواهند شد که عملاً طرح‌های توسعه‌ای آنها را متوقف یا با تعدیل مواجه می‌کند. در این صورت گروه‌های ملی‌گرا تقویت شده و شاکله اتحادیه اروپایی با خطر فروپاشی از دورن روبه‌رو می‌شود؟

پشت پرده ناآرامی های عراق

خراسان: با این که این اعتراضات با حمایت همه احزاب عراقی مواجه شده و بخش مسالمت آمیز آن مورد تأیید همه آن ها حتی مرجعیت نجف است اما از سوی دیگر برخی سیاستمداران معتقدند که این رخدادها از قبل توسط حزب بعث مدیریت می شود و برخی جریان های داخلی آن را به پیش می برند. شهروندان، جریان صدر را متهم کرده اند به این که مطالبات واقعی مردم را به حاشیه رانده است. در حالی که مقرر همه احزاب سیاسی اسلامی در جنوب مورد حمله قرار گرفته است، تنها مراکز جریان صدر هستند که تاکنون در امان مانده اند. همین موضوع باعث تردید مردم در نقش داشتن صدری ها در کشیده شدن اعتراضات به سمت خشونت شده است. همچنان که برخی سیاستمداران عراقی معتقدند نزدیکی اخیر دولت قانون، فتح و نصر باعث به هم خوردن محاسبات صدر و نارضایتی وی شده است. افزون بر این، تظاهرات امسال عراق به شکل ویژه و حساب شده ای از سوی شبکه های ماهواره ای پر مخاطب العربیه عربستان و اسکای نیوز امارات پوشش داده می شود که نشان می دهد این دو کشور روی اعتراضات مردمی عراق حساب ویژه ای باز کرده اند و در این بین به نظر می رسد پیروزی مقتدی صدر در انتخابات پارلمانی ، سعودی ها را بیشتر در این فکر غوطه ور ساخته که می توانند بر افکار عمومی عراق آن گونه که می خواهند، تاثیر بگذارند. در هر صورت بر ایند اعتراضات گسترده امسال را باید کاهش مشروعیت نظام سیاسی حاکم بر عراق و احزاب سیاسی آن و افزایش بیش از پیش بی اعتمادی مردم به آن دانست. اعتراضاتی که وقتی بدون رهبری و ساختار مشخص و حتی بدون وجود یک اپوزیسیون داخلی قدرتمند انجام شود، می تواند به راهبری آن توسط عوامل و جریان های مخرب بینجامد و آن را از مسیر اصلی اصلاحات خارج کند و حتی تراکم آن، قطاربه اصطلاح بهار عربی را دوباره به حرکت وادار کند.

وقت مطالبه آرمان ها: دوم

می گویند "چالش ها"، فی نفسه مسئله ای مذموم نیستند، چگونگی مواجهه با آن است که می تواند آن چالش را تبدیل به "تهدید" یا یک "فرصت" برای شتاب بیشتر به سمت مقصد کند. در ماجرای جنگ احزاب، عده ای از مسلمانان، به محض دیدن تهدید دشمن و آرایش جبهه ای آن، به وحشت افتادند و تصور کردند که کار تمام است. «یعنی یأس و ناامیدی و خودکم بینی در مقابل دشمن و یک گرایش قلبی پنهان به دشمن در آنها وجود داشت.» (۱۲/۰۴/۱۳۹۵) عده ای دیگر از مسلمانان اما نه تنها نترسیدند بلکه گفتند «هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ... همانی که پیغمبر به ما گفته بود، همانی که خدا گفته بود، همان اتفاق افتاده؛ یعنی آمدن دشمن و حمله دشمن، به جای اینکه روحیه ای آنها را تضعیف کند، ما زانهم إِلَّا ایماناً وَ تسليماً، ایمانشان را تقویت کرد؛ تسلیمشان در مقابل خدا را تقویت کرد؛ عزم و جزم آنها را نسبت به مواجهه و مقابله تقویت کرد.» (۱۲/۰۴/۱۳۹۵) همین ها هم بودند که از دل این چالش، یک فرصت استثنائی برای جامعه ی نبوی خلق کردند به طوری که بعد از آن، کفار و مشرکان، جرأت رویارویی با مسلمانان را نداشتند.

فرار پوتین از خندق اسرائیل

صبح نو: نکته قابل توجه در کنفرانس خبری دو رییس جمهوری آمریکا و روسیه درباره ایران است که نخست از زبان دونالد ترامپ مطرح شد که گفت: با روسیه توافق کردیم اجازه ندهیم ایران از شکست داعش در سوریه استفاده کند. اما پوتین به اظهارات ترامپ در این خصوص واکنشی نشان داد و هیچ توضیحی هم ارائه نکرد که شاید ایران را نگران کند زیرا می تواند این موضوع توافق دو طرف بر سر پایان دادن به حضور ایران نه فقط در سوریه بلکه در عراق را تفسیر کند؛ موضوعی که ما را به پرسیدن این سؤال جدی وادار می کند که آیا معامله مربوط به رفع تحریم های روسیه و تحویل شبه جزیره کریمه به روسیه در ازای مهار حضور ایران در سوریه میان دو طرف انجام گرفته است؟ معامله ای که خبر می رسد یک رهبر عربی در پشت آن قرار دارد؟ تردید زیادی در این خصوص وجود دارد زیرا سخت است پوتین در خصوص متحدان و شرکای ایرانی اش کوتاهی کند و در خندق اسرائیل و آمریکا علیه این کشور قرار گیرد تا ترامپ و نتانیاهو را راضی کند و دستاوردهای بزرگ خود نه فقط در سوریه بلکه در خاورمیانه را قربانی کند (خدا می داند) چرا که به زودی شاهد نشست سران کشورهای ترکیه، ایران و روسیه در تهران و رویکردهای سیاسی این کشورها خواهیم بود.

اما موضوع آوارگان سوری از دیگر نکات مورد توجه در این نشست بود که از زبان پوتین عنوان شد و اینکه بر همکاری و مساعدت بین المللی تاکید کرد. ۳/۵ میلیون پناهنده سوری در کشورهای اردن، لبنان و ترکیه حضور دارند و بازگشت پناهندگان سوری به کشورشان می تواند راهی به توسعه و ساخت دوباره این کشور منجر شود.